# دستگاه گوارش از دیدگاه مکتب طب سنّتی ایران

محمود بابائیان [الف]، مهدی برهانی [الف]، محمدرضا حاجی‌حیدری [الف]، احمدرضا شریفی علون آبادی [الف]، مهین الصاق [ب]، مریم یاوری [ج]، محمد مظاهری [ب]، محمدعلی کمالی [ج]، مجید آویژگان [د]، پیمان ادیبی [ه*]

[الف] گروه طب سنّتی ایران، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه شاهد، تهران

[ب] دانشکده‌ی طب سنّتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

[ج] دانشکده‌ی طب سنّتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

[د] گروه بیماری‌های عفونی و گرمسیری، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

[ه] گروه داخلی، دانشکده‌ی پزشکی و مرکز تحقیقات جامع‌نگر عملکرد گوارش، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان

## چکیده

مکتب طب سنّتی ایران دارای مبانی قوی استدلالی می‌باشد که با کمک گرفتن از تجربه و قیاس و بر اساس عملکرد طبیعت بدن در جهت درک و توضیح بسیاری از علایم و نشانه ها تلاش نموده است. دستگاه گوارش بخصوص معده در مکتب پزشکی ایرانی از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و دقّت در پیشگیری و درمان بیماری‌های معده در درمان بسیاری از بیماری‌های بدن همواره مورد توجه بوده است. در معاینه و بررسی بیماری های دستگاه گوارش، پزشک باید درک صحیحی از علم تشریح و ارتباط بین اندام ها داشته باشد. همچنین بر اساس مکتب پزشکی ایرانی، طبیب علاوه بر اطلاع صحیح از علم تشریح، برای درک صحیح بیماری ها و علایم آن می‌بایستی بر مبانی نظری طب بخصوص امور هفت گانه‌ی طبیعیّه تسلّط کامل داشته باشد تا بتواند با استفاده از آن توضیح منطقی برای ارتباط بین علایم بیماری برقرار نماید. بر اساس نظریه‌ی مکتب پزشکی ایرانی، امور منسوب به طبیعت بدن یا امور طبیعیّه شامل ارکان، مزاج، اخلاط، اعضاء، ارواح، قوا و افعال می‌باشند. مقایسه هایی مابین این مباحث در مکتب طب ایرانی و طب سنّتی چین نیز در مقاله ذکرشده است.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۰
تاریخ پذیرش:

**واژگان کلیدی:** دستگاه گوارش، طب سنّتی ایران، پزشکی رایج، طب سنّتی چین

### مقدمه

در مکتب طب سنّتی ایران (Traditional Iranian Medicine) که مبتنی بر مزاج و اخلاط می‌باشد، دستگاه گوارش بخصوص معده، دارای اهمیّت خاصی است. معده به علّت ارتباط نزدیک با دیگر اعضای بدن، همواره مورد توجه این مکتب بوده است، به طوری که کلماتی مانند "عضو شریف" (۱)، "عضو مشارک" (۲) و "خزانه مشترک" (۳) برای آن به کار برده شده است. معده یکي از اندام هاي مهم بدن است که سلامت بدن به سلامت آن ارتباط دارد و غیر از عمل هضم، وظیفه‌ی تقاضاي خوراك و ارسال آن به سایر اندام ها را نیز بر عهده دارد (۲). بر اساس مکتب طب ایرانی، اختلال کارکرد و عدم سلامتی این عضو حساس موجب اختلال عمل اعضای دیگر بدن می گردد، بنابراین توجه به پیشگیری و درمان اختلال عملکرد معده در

* فرد مسوول مکاتبات: adibi@med.mui.ac.ir



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

درمان بسیاری از بیماری های بدن دارای اهمّیتی ویژه می‌باشد.

## تشریح معده

معده بر طبق مکتب طب ایرانی شامل گوشت[1]، عصب[2]، عروق و شرائین است. در طب سنّتی شکل معده را به کدوی گردن دراز تشبیه نموده اند که اصل کدو معده و گردن آن مری و قسمت سوّم آن، قعر معده (Antrum) می‌باشد. محل وصل مری به معده را فم معده (Gastroesophageal junction) می‌نامند. البته اسامی دیگری مانند مبدأ اتّساع[3] و فؤاد[4] نیز برای آن به کار برده شده است. محل وصل معده به اثنی‌عشر که ابتدای شروع روده‌ی باریک می‌باشد را بوّاب (Pylorus) می‌نامند که به علّت تنگی مجرا در عمل هضم معدی نقش مهمی برعهده دارد (٤). دریچه‌ی تنگ پیلور یا بوّاب امروزه جزء دهانه‌ی انتهایی (دیستال) معده محسوب می گردد که در کنترل عمل تخلیه‌ی مواد هضمي از معده نقش به سزایی دارد (٥).

بر اساس نظریه‌ی مکتب طب ایرانی معده دارای دو طبقه‌ی داخلی با خصوصیّت عصبی و طبقه‌ی خارجی با ویژگی لحمی یا گوشتی است. در ساختمان معده سه نوع الیاف طولی، عرضی و موّرب وجود دارند. طبقه‌ی داخلی دارای الیاف طولی شرکت کننده در عمل جذب (به معنای کشیدن غذا) و الیاف مورّب عمل کننده در نگه داشتن (امساک) غذا می‌باشد. در طبقه‌ی خارجی الیاف عرضی که در عمل دفع کاربرد دارند، موجود می‌باشند.

به علّت آنکه شعبه‌ای از عصب مغزی (عصب حس) به دهانه‌ی معده (فم معده) عصب دهی دارد، بیشترین حس در این قسمت بوده و این بخش در درک حس گرسنگی و اشتها نقش مهمی بر عهده دارد. قعر معده که جایگاه آن در بالای ناف و کمی مایل به جانب راست می‌باشد، دارای طبقه‌ی گوشتی بیشتری است، لذا جایگاه اصلی عمل هضم معدی در این مکان می‌باشد. از قسمت معقّر کبد، عروق ماساریقا به انتهای معده و امعاء (روده ها) انشعاب دارد که در جذب قسمت خالص کیلوس به سمت کبد نقش دارند (٦-٧).

معده از سمت راست با کبد (جگر) و از سمت چپ با طحال (سپرز) و از پشت به عضلات صلب[5] (پشت) که در آن رگ شریانی بزرگ جهنده و ورید بزرگ وجود دارد و از بالا با واسطه‌ی پرده‌ی حجاب (دیافراگم) با قلب در تماس قرار دارد. این مجاورت ها با ایجاد حرارت به عمل هضم معده کمک می‌نمایند. قسمت های دیگری که در هضم با حفظ حرارت کمک کننده هستند شامل غشاهای مختلف شکمی که از داخل به سمت بیرون ثرب[6]، صفاق[7] و مراق[8] می‌باشند (٨).

در مطالعات جدید، معده از نظر فیزیولوژیک به دو قسمت بالایی شامل دو سوّم ابتدایی تنه‌ی معده و بخش دمی شامل یک سوّم تحتانی تنه همراه با آنتروم تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد بخش دمی با توجه به انقباض‌های دودی معده و نقش مقاومتی عضله‌ی پیلور در قسمت انتهایی آن در عمل مخلوط سازی غذا با ترشحات معده و تشکیل مخلوط نیمه مایع نقش اساسی را به عهده دارد (٥).

در معاینه و بررسی بیماری های بدن بخصوص دستگاه گوارش طبیب علاوه بر فهم دقیق علم تشریح و ارتباط بین اندام ها باید به امور طبیعیّه به طور دقیق توجه نماید. درک صحیح امور هفت گانه‌ی طبیعیّه در مبانی نظری مکتب طب ایرانی باعث تشخیص صحیح بیماری ها و درمان آن ها و شناخت داروها و غذاها می‌شود.

## امور طبیعیّه

امور طبیعیّه امور منسوب به طبیعت[9] است که پیدایش بدن انسان و حفظ سلامتی آن، به آن‌ها وابسته بوده و شامل هفت جزء می‌باشد: ارکان، امزجه، اخلاط، اعضاء، ارواح، قوا، افعال (٦).



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

**ارکان (The Elements)**

رکن، عنصر، اسطقس و اصل، اسامی مختلف اجسام ساده‌ای هستند که جایگاه مهمی در مباحث نظری مکتب طب ایرانی دارند. از دیدگاه طب سنّتی چهار رکن اصلی آتش، هوا، آب و خاک، تشکیل دهنده‌ی اجزای اوّلیه‌ی تمام موجودات عالم می‌باشند (۹). هر کدام از این ارکان دارای کیفیّت‌های خاصی می‌باشند. کیفیّت (Quality) یا چگونگی، یکی از ابزار های تقسیم‌بندی اجسام در جهان از نظر مکتب طب ایرانی می‌باشد.

از میان تمام کیفیّت‌ها، کیفیّت‌های چهارگانه‌ی گرمی و سردی، تری و خشکی به علّت مشترک بودن در تمام اجسام جهان بیشتر مورد توجه بوده است. به کیفیّت‌ها، فاعله یا تأثیرگذار و به کیفیّت‌های تری و خشکی به علّت تأثیرپذیری از سایر کیفیّت‌ها، منفعله یا تأثیرپذیر می‌گویند (۱۰). البته تأثیرپذیری کیفیّت‌های منفعله به این معنی نیست که آن‌ها آثار چندانی بر هم ندارند؛ بلکه منظور این است که بر کیفیّت‌های فاعله اثر چندانی نمی‌گذارند (جدول ۱) (٦).

**مزاج (The Temperament)**

از فعل و انفعال کیفیّت‌های مختلف اجزای ریز اوّلیه یا ارکان در جسم مرکب در نهایت کیفیّت یا حالتی متشابه ایجاد می‌شود که آن کیفیّت را مزاج گویند (۹).

در مکتب طب ایرانی تمام اجسام مرکب عالم هستی حتّی فصول، سنین مختلف، مکان‌ها و اعضاء دارای مزاج خاص به خود می‌باشند. در یک تقسیم‌بندی کلی مزاج به نه قسمت

جدول ۱. ارکان و کیفیّات و اعمال مورد انتظار (The Elements)

| نام کیفیّت | عمل کیفیّت | نام رکن (کیفیّت آن) | نقش رکن |
|---|---|---|---|
| گرمی (حرارت) | موجب حرکت، سوزاننده ،گرم کننده ذوب کننده ، جذب کننده ، کاهش شدّت سردی | آتش عنصری (گرم و خشک) Fire (Warm and Dry) | پخته شدن هر چیزی که با آن آمیزد شکسته شدن سردی عناصر آب و خاک عبور اجزای هوایی به کمک قوّت آن در همه اجسام |
| سردی (برودت) | انجماد، موجب در هم فشردگی، غلیظ کننده ، ضد جذب، کاهش شدّت گرمی | هوای عنصری (گرم و تر) Air (Warm and Moist) | جهت نفوذ، نرمی، سبکی، سهولت بلند شدن، ایجاد گشادگی و تخلخل |
| تری (رطوبت) | قابلیّت شکل‌پذیری جداشدن و به هم وصل شدن به آسانی | آب عنصری (سرد و تر) Water ( Cold and Moist) | ایجاد نرمی، طرح پذیری، انعطاف پذیری، شکل پذیری |
| خشکی (یبوست) | ثبات و عدم شکل پذیری به راحتی | خاک عنصری (سرد و خشک) Earth (Cold and Dry) | عامل بهم پیوستگی و پایداری و نگهداری اشکال |

[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

شامل یک معتدل فرضی و هشت غیرمعتدل تقسیم می‌شود. اعتدال مزاج فرضی از نظر اطباء برای جسم مرکب (کل بدن یا عضو خاص) به این معنا می‌باشد که جسم مرکب در این حالت کیفیّتی، دارای بهترین شرایط عملکردی مورد انتظار از آن جسم است (٦). هشت مزاج غیر معتدل بر اساس حاکمیّت یک کیفیّت تأثیر گذار یا تأثیرپذیر و یا استقرار دو کیفیّت هم زمان بر کل یک جسم مرکب شامل موارد گرم، سرد، تر، خشک، گرم و خشک، گرم و تر، سرد و خشک، سرد و تر می‌باشند (٤).

**اخلاط (The Humours)**

خلط جسم روان و دارای رطوبت بالفعل می‌باشد که در نتیجه‌ی تغییر بر روی غذا حاصل می‌آید. خلط طبیعی در کبد طی فرآیند هضم دوّم در عمل کیموس تولید شده و در هضم سوّم یا عروقی فرآیند تولید خلط تکمیل می‌شود.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

اخلاط طبیعی تولید شده شامل چهار خلط دم یا خون (The sanguineous humor or blood)، خلط بلغم (The phlegm humor or Phlegmaticus)، خلط صفرا (The bilious humor or Cholericus)، خلط سودا (The atrabilious humor or Melancholicus) می‌باشند (نمودار ۱) (۱۰-۹). تعادل این اخلاط از نظر مقدار و نسبت آن‌ها با هم و دارا بودن کیفیّت صحیح، در سلامت بدن و اعضاء بسیار با اهمیّت است. اخلاط به دو دسته‌ی طبیعی و غیرطبیعی تقسیم




نمودار ۱. کیفیّت اخلاط و وظایف آن‌ها و انواع غیر طبیعی خلط



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

می‌شوند. خلط طبیعی، در کبد تولید می‌شود و برخلاف خلط غیرطبیعی قابلیّت عضو شدن بدن را دارا می‌باشد و در رشد و نمو عضوی دخالت می‌کند (٦).

## هضم (Digestion)، جذب (Absorption)، سوخت و ساز (Metabolism)

هضم به یکسری فرآیندهایی گفته می شود که طی آن مواد مغذّی و حرارت نهفته در غذا به شکلی تغییر می‌یابند که قابلیّت صورت عضو شدن را پیدا نمایند (١١). در بدن انسان، چهار هضم صورت می‌گیرد (٦). هر هضمی دارای یکسری مواد تولیدی برای ادامه‌ی عمل مراحل بعدی و یکسری مواد زاید می‌باشد که از راه های مخصوص هر هضم دفع می‌شود.

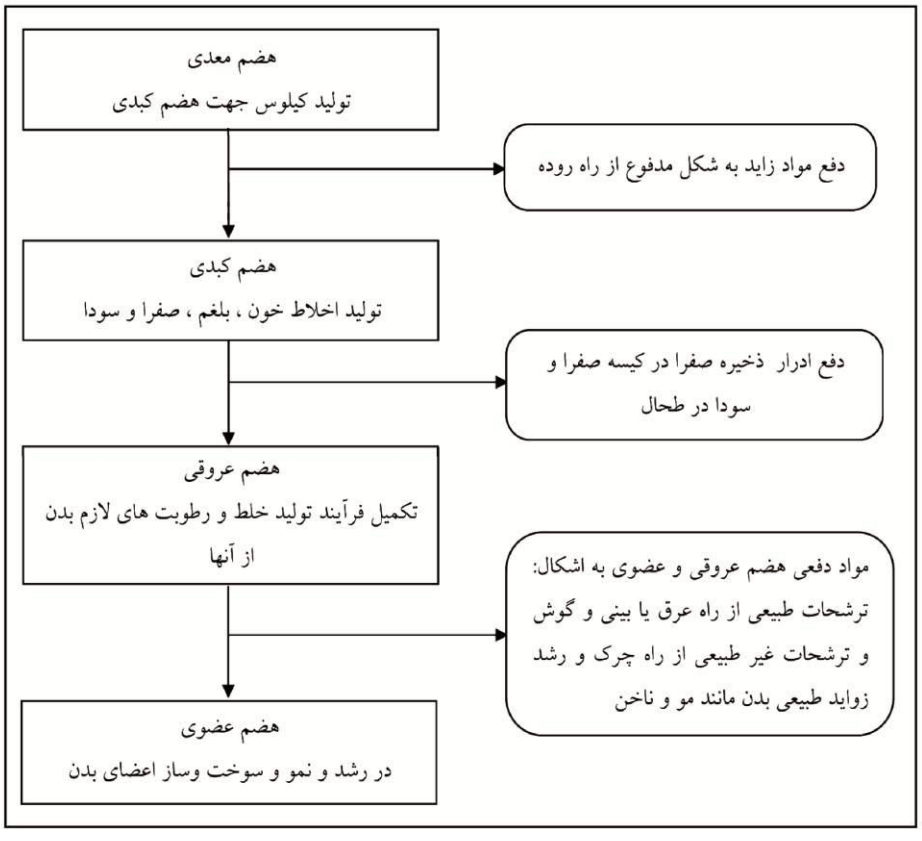
هضم اوّل یا معدی (Gastric) که از عمل جویدن غذا در دهان شروع می‌شود و با تولید ماده‌ی اصلی برای مرحله‌ی بعدی به نام کیلوس یا عصیر در معده پایان می‌یابد. مرحله‌ی بعدی هضم، هضم دوّم یا کبدی (Hepatic) است که از ورود قسمت خالص کیلوس معدی به عروق ماساریقای کبد آغاز شده و با تولید و فرستادن چهار خلط دم، بلغم، صفرا و سودا به عروق خارج کبدی خاتمه می‌یابد. هضم سوّم یا عروقی (Vascular) از عروق خروجی کبد شروع می‌شود و هضم چهارم یا عضوی (Organic) در اعضای بدن صورت می‌گیرد (نمودار ٢) (٦).

برخی کتب با ترکیب هضم عروقی و کبدی در هضم دوّم مراحل هضم در بدن را به سه هضم تقسیم کرده‌اند (١٢).

فرآیند هضم کبدی (برخی منابع همراه هضم عروقی) از زمان ورود قسمت خالص کیلوس معده به عروق کبدی تا تکمیل تولید اخلاط را کیموس نامند (٦). در مباحث فیزیولوژیک، امروزه کیموس به مخلوط نیمه مایع تولید شده از مخلوط شدن ترشحات معده با غذا اطلاق می شود که در حقیقت همان کیلوس یا عصیر طب ایرانی می‌باشد (٥).

## اعضاء (The Organs) و ارواح و قوا (The Faculties)

هر خلط دارای دو بخش است: بخش لطیف و سبک که اجزای آن زود از هم جدا و پراکنده می‌شوند و از آن در مراحل بعدی روح تولید می‌گردد که البته روح طبی گفته شده با




نمودار ٢. مراحل هضم‌های بدن



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

روح غیر مادی (The spirits) تفاوت دارد. روح طبی در حقیقت از بخار خلط خون طبیعی حاصل می‌آید (٤). ارواح طبی بر سه قسم حیوانی و نفسانی و طبیعی می‌باشند. بخش دیگر

بدن حفظ شود، البته حفظ تعادل بدن فقط مربوط به تعادل قوای سه گانه نبوده و اعضای دیگر نیز در این امر دخالت دارند (١٤).

جدول ٢. انواع قوّه‌های طبیعی و عملکرد آنها (اعمال مخصوص قوای خادمه‌ی عضو معده ذکر شده است)

| طبیعی | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خادمه | | | | مخدومه | | | |
| دافعه (رانش) | هاضمه (گوارش کننده) | ماسکه (نگهدارنده) | جاذبه (جذبکننده) | مصوره (مغیره دوم) | مولده (مغیره نخست) | نامیه | غاذیه |
| خروج کشکاب از قسمت بوّاب معده بعد وارد از هضم شده به | هضم و تبدیل مواد غذا | نگهداری غذا در معده برای عمل هضم معدی | جذب غذای خورده شده و اشتهای به غذا | این دو قوه برای بقای نسل آدمی عمل می کنند | مسئول رشد و هماهنگ و طبیعی ابعاد | وصل کننده و شبیه کننده غذا | |

خلط قسمت غلیظ و متراکم می‌باشد که از آن اعضاء درست می‌شوند. اعضاء در بدن انسان شامل دو دسته می‌باشند. دسته‌ی اوّل اعضای مفرد یا متشابه الاجزاء مانند استخوان، غضروف، گوشت و عصب .. و دسته‌ی دوّم اعضای مرکب یا اعضای آلیه مانند قلب، دست و ... (١٠).

Faculty یا قوّه از نظر لغت به معنای قوّت و توانایی داشتن است. بدن انسان برای انجام افعال درست به منبع صادر کننده‌ی نیرو نیازمند است که این را قوّه می‌نامند (١٣). بر اساس مکتب طب ایرانی بدن انسان دارای سه قوّه‌ی حیوانی، نفسانی و طبیعی می‌باشد (The animal, rational, vegetable). این قوای سه گانه توسط ارواح حمل می‌شوند. قوّه‌ی نفسانی منشاء و مبداء و باعث ظهور و صدور حس و حرکت تمام بدن و ادراک صورت‌ها و معانی آن‌ها بوده و مکان صادر کننده‌ی آن مغز می‌باشد. قوّه‌ی حیوانی که منشاء و مبداء و باعث حیات کل بدن است از قلب صادر می‌شود و قوّه‌ی طبیعی یا نباتی که از کبد صادر می‌شود، مبداء و منشاء تغذیه و نمو بدن و تهیه و رساندن غذا به کل اعضاء است (٤). قوای مختلف بدن همواره به صورتی عمل می‌کنند که تعادل لازم

## قوای طبیعی مخدومه و خادمه

قوّه‌ی نباتی یا طبیعی خود به دو قوه‌ی خادمه (خدمت کننده) و مخدومه (خدمت شونده) تقسیم می‌شود. قوای خادمه شامل جاذبه، ماسکه، هاضمه و دافعه و قوه‌ی مخدومه شامل غاذیّه و نامیّه و مولّده و مصوّره هستند (جدول ٢). برای انجام گرفتن و حفظ عمل هر کدام از قوای نباتی خادمه به کیفیّت‌های چهارگانه نیاز است که کیفیّت گرمی که منشاء اصلی حرکت است و در عملکرد تمام قوّه‌ها دخالت مشترک دارد و دیگر کیفیّت‌ها بنابر نیاز وارد عمل می‌شوند. در عمل قوای جاذبه و ماسکه کیفیّت گرمی توام با خشکی دارند امّا در فعالیّت قوّه‌ی هاضمه، کیفیّت تری نیز علاوه بر گرمی نقش ایفاء می‌نماید و در عملکرد قوّه‌ی دافعه علاوه بر نقش کیفیّت گرمی در حرکت، کیفیّت‌های سردی و خشکی برای عمل رانش و دفع لازم است (٤).

## افعال (The Functions)

جزء هفتم امور طبیعیّه افعال است. هدف تمام امور عملکرد صحیح اعضای بدن و افعال درست ظاهری جسمانی و باطنی روحانی می‌باشد. افعال ممکن است تنها توسط یک نیرو در بدن تحقق یابند مانند فعل هضم،



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

جذب، نگه داشتن غذا و یا ممکن است مانند اشتهای به غذا یا عبور غذا از اعضاء و عروق توسط دو نیرو در بدن تحقق یابد، البته در برخی از اعمال مانند تغذیه ممکن است به سه قوّه نیاز باشد (٤).

## انواع مواد در بدن

ماده در بدن به دو صورت با قوام و دارای شکل مانند اخلاط و آب و بدون قوام و شکل شامل بخار و ریح

جدول ۳. مزاج‌های طبیعی معده

| کیفیّت و مزاج حاکم برکل معده | علایم همراه |
|---|---|
| مزاج گرم طبیعی | هضم خوب غذاهای سنگینی مانند گوشت گاو و غاز، فاسد شدن غذاهای سبک و لطیف مانند شیر و گوشت جوجه، تمایل به غذاهای با مزاج گرم، اشتهای زیادتر به غذا |
| مزاج سرد طبیعی | مشکل در هضم با مصرف غذاهای سنگین، هضم راحت غذاهای سبک، تمایل به غذاهای با مزاج سرد، اشتهای طبیعی و بدون نقص |
| مزاج تر طبیعی | دارای احساس عطش کم و تحمل مصرف آشامیدنی‌های زیاد بدون احساس پری شکم، تمایل به غذاهای با کیفیّت تری |
| مزاج خشک طبیعی | به صورت عادتی دارای عطش زیاد، از مصرف نوشیدنی کم سود برده ولی با مصرف زیاد آشامیدنی‌ها علایم پری شکم به سرعت رخ می‌دهد، تمایل به غذاهای با مزاج خشک |
| مزاج گرم و تر طبیعی | ترکیب علایم گرم و تر مانند اشتهای زیاد، عطش متعادل و تمایل به غذاهای با کیفیّت گرم و تر و هضم خوب غذاهای سنگین |
| مزاج گرم و خشک طبیعی | ترکیبی از علایم گرم و خشک طبیعی مانند اشتها و عطش زیاد، احساس راحتی با مصرف غذاهای گرم و خشک، عدم تحمل نوشیدنی‌های زیاد و غذای تر |
| مزاج سرد و تر طبیعی | ترکیبی از علایم سرد و تر طبیعی مانند اشتهای طبیعی و عطش کم، هضم راحت غذاهای سبک، تحمل مصرف مایعات و غذای تر |
| مزاج سرد و خشک | ترکیبی از سرد و خشک طبیعی مانند اشتهای طبیعی و عطش |

وجود دارد (۱۰).

## بخار (STEAM)

بخار از اثر کیفیّت گرمی و حرارت بیش از حد بر ماده‌ی تر و رطوبی و یا از اثر حرارت معتدل بر ماده‌ی رطوبی بسیار زود تجزیه شونده (لطیف) ایجاد می‌شود که تمایل حرکت آن همیشه به سمت بالا می‌باشد. اگر این حرارت بیش از حد بر یک ماده‌ی خشک مانند اثر آتش بر ذغال وارد آید، موجب ایجاد بخار دخانی یا دودی می‌شود (۱۱).

## ریح (باد، گاز)

یکی از مباحث مهم که در بسیاری از بیماری‌ها درباره‌ی آن بحث می‌شود، ریح، باد یا گاز است که به طور متوسط در دستگاه گوارش روزانه ۱۰- ۷ لیتر از راه‌های مختلف وارد یا تولید شده و حدود ۰/٦ لیتر آن از راه مقعد دفع و باقی آن از راه مخاط روده وارد خون می‌شود (٥). ریح به معنای باد و بوی و دخانی که سرد شده و متراکم شود تعریف گردیده است (۱۱). برای تولید ریح دو مسأله‌ی کیفیّت گرمی و حرارت و ماده‌ی با کیفیّت تری و رطوبت مورد نیاز است. درصورتی که رطوبت زیاد در یک مکان و یا نقصان حرارت و یا افزایش کیفیّت سردی موجود باشد، باید منتظر تولید ریح بود ولی در حالت خشکی و گرمی زیاد و یا سردی خیلی زیاد تولید ریح غیر محتمل است. بر اساس مکتب طب ایرانی ریح یا باد همیشه ناپسند نیست؛ زیرا ریح در گردش بدن با عث کمک در دفع مدفوع و همچنین دخالت در امر نعوظ (Erection) در دستگاه تناسلی می‌شود. گاز تولیدی در هضم اوّل یا معدی، موجب



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

نفخ و در هضم دوّم، باعث ریح و در هضم سوّم و چهارم، مسبّب نعوظ می‌باشد. در صورتی که حرارت و گرمی ناقص بوده و یا ماده‌ی رطوبی و تر مقدارش زیاد و کیفیّت نامناسب داشته باشد، موجب تولید ریح غلیظ می‌شود که گردش آن غیر طبیعی بوده و باعث علایمی مانند بروز درد در نواحی مختلفی از بدن شامل کتف و گردن، پستان‌ها، ناحیه‌ی دیافراگم، پهلو ها و زیر شکم می‌شود و در صورت حبس در امعاء ایجاد قراقر (قار و قور شکم) نموده، حتّی می‌تواند علایمی در سر، رحم، بیضه ها، مفاصل، حوالی مقعد و بسیاری از نقاط دیگر بدن ایجاد نماید (۱۵).

برای خروج ریح نیاز به مسیرهایی است. در صورتی که ریح از دهان خارج شود آن را آروغ یا جشاء (Belching) می‌نامند (٤) و در صورتی که ریح از ناحیه‌ی مقعد خارج شود آن را بقبقه (Gas passing) نامند (٤).

## مزاج معده

در برخی کتب طب سنّتی به علّت آن که در معده بافت عصبی غلبه دارد مزاج طبیعی حاکم بر معده را سرد و خشک قائل شده‌اند (۱٦) ولی در برخی از کتب دیگر مانند کتاب قانون در طب شیخ الرئیس ابوعلی سینا مزاج های طبیعی مختلفی برای معده با علایم خاص در نظر گرفته‌اند (۸). در کتاب کامل الصناعة علی بن عباس اهوازی برای تعیین مزاج معده از سه راه بررسی افعال و عملکرد آن، بررسی کمّی یا زیادی تشنگی (عطش) و چیزهایی که معده از آن لذّت می‌برد و یا اذیت می شود، استفاده شده است (۷). (جدول ۳)

## سوء مزاج‌های معده

در مکتب طب ایرانی به بیماری‌های ناشی از خروج از اعتدال مزاج، بیماری های سوء مزاج (Dystemper) یا اختلال کیفیّتی گفته می شود که در آن به علّت غلبه‌ی یک یا برخی از کیفیّت های چهارگانه بر مزاج عضو یا بدن، اعمال و افعال آن عضو یا کل بدن به صورت صحیح و کامل انجام نمی‌شود. ممکن است این گونه بیماری‌ها حالت ساده داشته باشند که به علّت غلبه‌ی کیفیّتی بر عضو مانند سرمای بیش از حد، بدون افزایش ماده (Humours) ایجاد می‌گردند و یا ممکن است به علّت غلبه و افزایش ماده‌ایی در بدن از نظر کمّی یا کیفی ایجاد شوند که این حالت را سوءمزاج مادی گویند (۱۰). (جداول ٦-٤)

تفاوت میان مزاج های طبیعی معده با موارد خارج از طبیعی، آن است که غذاهای مشابه با مزاج طبیعی نه تنها باعث اذیت و آزار فرد نمی‌شوند بلکه موجب افزایش قوّت و توان عضو و در نتیجه بهبود عملکرد فرد می‌شوند، بنابراین فرد به آن‌ها میل و اشتها دارد ولی در بیماری‌های سوءمزاج و اختلال کیفیّتی این غذاها باعث افزایش علایم بیماری می شوند، لذا فرد بیمار میل و اشتها به غذاهای ضد آن دارد.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

جدول ۴. علایم سوء مزاج‌های ساده مفرد معده

| گرم | سرد | تر | خشک |
|---|---|---|---|
| برطرف می‌شود آروغ دودی ایجاد فساد به دنبال مصرف غذای لطیف مانند گوشت جوجه در اکثر اوقات اشتهای کم خشکی دهان احساس گرسنگی زیاد در ابتدای بیماری و ایجاد گزش در معده آب دهان با مزه و بوی گوشت فاسد | دیر سبک شدن سر دل (کندی حرکت معده) اشتهای زیاد غذا کمی عطش نفخ آروغ ترش و یا با بوی و مزه غذای خورده شده لذّت از خوراکی‌های سبک و رقیق مانند جوجه لذت از غذاهای با کیفیت گرم هضم سخت غذاهای غلیظ مانند گوشت گاو رنگ چهره زرد و سفید همراه با علایمی مانند سردرد و صدای وزوز در | کمی عطش و تشنگی عدم تمایل به غذای و میوه آبکی و تر و آب سرد و سبزیجات سرد و اذیت شدن ازآنها افزایش آب دهان نزول سریع غذا از معده آسوده تر بودن از غذای کم و | عطش زیاد خشکی زیاد زبان لاغری بدن لذّت از غذای آبکی و تر لذت از هوای نمناک |



به طور مثال اگر فردی با اشتهای خوب مراجعه نماید و میل به غذاهای با کیفیّت گرم مانند گوشت و زرده‌ی تخم مرغ داشته و دارای هضم خوب و بدون ایجاد علایمی مانند آروغ و تشنگی بیش از حد باشد، او دارای مزاج گرم طبیعی معده است؛ امّا اگر همین فرد با مصرف غذاهای با کیفیّت گرم دچار مشکل شده و شکایت آروغ بدبو و مزه‌ی بد دهان داشته باشد و اشتهای وی کم شود و احساس تشنگی زیاد نماید که با آب سرد برطرف شود و به تدریج در حال لاغر شدن باشد، دچار بیماری سوءمزاج گرم

**عمل هضم خوب معده**

همان گونه که گفته شد تمام اعضای بدن انسان دارای چهار قوّه‌ی نباتی خادمه می‌باشند که با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند؛ به نحوی که مشکل در هرکدام از این قوا می‌تواند موجب اختلال در عملکرد اعضاء گردد. به طور مثال اگر در هضم اوّل اختلال ایجاد گردد، هضم های دیگر نیز درگیر می‌شوند. برای انجام عمل صحیح هضم غذا در معده (هضم اوّل) و تولید کیلوس مناسب، نیاز به مشارکت عوامل و اعضاء گوناگون بدن و عملکرد صحیح قوّه های مختلف از جمله قوّه‌ی نباتی،

جدول ۵. علایم سوء مزاج‌های ساده مرکب معده

| گرم و خشک | سرد و خشک | سرد و تر | گرم و تر |
|---|---|---|---|
| عطش زیاد خشکی زبان لاغری بدن مدفوع خشک ایجاد فساد به دنبال مصرف غذای لطیف مانند شیر انتفاع از غذای آبکی اشتهای کم در اکثر اوقات | جمع علایم بارد و یابس مانند هضم سخت غذاهای غلیظ مانند گوشت گاو لذّت از خوراکی های سبک و رقیق مانند جوجه نفخ دیر سبک شدن سر دل (کندی حرکت معده) اشتهای زیاد غذا خشکی زیاد زبان لاغری بدن | چهره سفید بلغمی سستی در گوشت بدن (ترهل) تنبلی در حرکات مدفوع رقیق بدون فرم اشتهای زیاد غذا کمی عطش نفخ آروغ ترش عدم تمایل به غذای آبکی و تر افزایش آب دهان هضم سخت غذاهای غلیظ مانند گوشت گاو... | فساد غذا در معده تغییر غذا به مزه بوی روغن فاسد (نموست) جاری شدن آب دهان |

معده می‌باشد. حیوانی و حتّی نفسانی می‌باشد و در



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

صورت اختلال در هر یک از این موارد عمل هضم معده به خوبی و در بهترین حالت خود صورت نمی‌گیرد.

در معاینه و بررسی بیماری های بدن بخصوص دستگاه گوارش، طبیب باید به امور هفت گانه‌ی طبیعیّه به طور دقیق توجه نماید. در میان این امور از همه مهمتر توجه به ارواح، قوا و افعال در معاینه و بررسی است که در تشخیص و درمان بیماران کاربرد زیادی دارد. با دقّت در این سه امر طبیب درک درستی از اجزای دیگر امور طبیعیّه به دست می‌آورد و می‌تواند به کیفیّت یک حالت، میزان پایداری آن و نوع مزاج، علّت و یا کمیّت و کیفیّت خلط درگیر پی ببرد. در ضمن برای طبیب درک درست از اندام ها و وظایف آن ها امری مهم می‌باشد و لذا باید از علم تشریح به خوبی اطلاع داشته و ارتباط بین اعضای مختلف بدن را فراگیرد.

با مطالعه در مفاهیم پایه‌ی طب سنّتی ایران خواننده متوجه می‌شود که این مکتب دارای مبانی قوی استدلالی بوده و با کمک از تجربه و قیاس و توجه بر عملکرد طبیعی بدن در جهت درک و توضیح بسیاری از علایم و نشانه‌ها تلاش نموده است.

## تطابق یافته‌های طب سنّتی ایرانی با طب سنّتی چینی (۱۷)

در گردش فیزیولوژیك بدن در طب سنّتي و بر اساس آنچه که در طب نوین به نام فیزیولوژي نامیده مي‌شود، بدن داراي دو سیکل گردشي است که دقیقاً با گردش فیزیولوژیك طب نوین منطبق مي‌باشد. در بخشي از این فیزیولوژي، معده داراي جایگاهي است که در واقع مطابق با طب سنّتي ایراني به عمل گرفتن و هضم و پردازش اوّلیه‌ی خوراك وارد شده به معده مي‌پردازد.

بدن داراي دو کیفیّت اصلي گرمي و روشني و سبکي و ... به نام Yang و کیفیّت دیگر سردي و تاریکي و سنگیني و ... به نام Yin است. ولي این دو کیفیّت در دو نوع ماده‌ی مرئي و نامرئي باید به ظهور برسند که شامل Blood and Body fluid است. در واقع کل بدن از این دو نوع ماده تشکیل شده است که در برخي نقاط متراکم شده (استخوان) و در برخي نقاط دیگر به صورت رقیق (خون و یا لنف) مي‌باشند. مسوول حرکت این مواد در بدن، یك حرکت ذاتي است که در طب سنّتي ایراني به نام حرکت جوهري و یا ذاتي نامیده مي‌شود و در طب سنّتي چین Qi نام دارد.

همان گونه که از مواد خورده شده دو نوع خلط یا ماده‌ی طبیعي و غیر طبیعي بوجود مي‌آید، در طب سنّتي چین نیز دو نوع Clean Body Fluid و Turbid Fluid بوجود مي‌آید؛ که اوّلي فیزیولوژیك بوده و دوّمي پاتولوژیك مي‌باشد. این انواع غیر طبیعي به نام‌هاي Thin Mucus, Phlegm, Edema and Damp مي‌باشند. بدن از این مواد ساخته مي‌شود و لذا بسته به نوع مواد استفاده شده، سلامت و یا بیماری ایجاد مي‌گردد.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

جدول ۶. علایم سوء مزاج‌های مادی معده

| مزاج دموی سوء | سوء مزاج صفراوی | سوء مزاج بلغمی | مزاج سوداوی سوء |
|---|---|---|---|
| غثیان و حالت تهوع افزایش آب دهان به خصوص در گرسنگی تغییر غذا به ویژه بوی روغن فاسد (نموست) | تلخی دهان غثیان دفع ماده صفراوی در قی یا مدفوع آروغ بد بوی تیز بعد از غذا | کاهش اشتها تمایل به اغذیه تند و با کیفیت خشک و گرم، غثیان و تهوع نداشتن تشنگی یا عطش کاذب داشتن که با خوردن آب تشنگی رفع نشود نفخ شکم آروغ ترش (جشاء حامض) رنگ بدن سفید و سستی گوشت بدن (ترهّل) | افزایش‌اشتها (دیزه خواری) ضعف هضم (دیر سبک شدن سر دل) غثیان و تهوع کثرت نفخ سوزش معده به خصوص قبل از غذا خروج ماده سودا در قی بزرگی طحال |



در طب سنّتي ايراني روح طبي وجود دارد. در طب سنّتي چيني روح طبی Ethereal Soul or Yang Qi نامیده می‌شود؛ امّا بر خلاف طب سنّتي ايراني كه در قلب منشاء دارد، در طب سنّتي چيني روح طبی در کبد و یا کلیه است و از آنجا ریشه مي گيرد. به عبارت دیگر کبد و یا کلیه مسوول روح طبي تمام بدن است و لذا هر گونه اختلال در آن سبب اختلال در توليد روح طبي سالم مي‌گردد و اين اختلال در تمام بدن منتشر مي‌شود.

از آنجا كه معده منشاء تمام اخلاط و یا Clean Body Fluid مي‌باشد، لذا اهمیّت معده در سلامت بسیار مهم است و توجه به سلامت آن از جایگاه ویژه اي برخوردار است.

## تقدیر و تشکّر

در پایان از آقای دکتر امیر محمد جلادت و سرکار خانم دکتر نرجس گرجی دستیاران دکتری تخصصی طب سنّتی که در تهیه‌ی جداول سوءمزاج های معده از اطلاعات ایشان استفاده گردیده است، تشکّر و قدردانی می‌شود.

## پی نوشت

۱. گوشت یا لحم عضو مفردی است که از قسمت متین خون تولید شده است و با اثر حرارت و یبوست بسته شده و اعضاء با آن پر می‌شوند و کار آن گرم نمودن اعضاء و دفع آفت از آن‌ها است و معمولاً اگر آن را سه قسمت کنند، دو سوم فوقانی آن دارای حس است و یک سوم تحتانی بی‌حس (مفرح القلوب ص ۸۳).

۲. عصب یا پی عضو مفرده و ساده جسمی سفید و با مزاج سرد و تر می‌باشد که در پیچیدن و انعطاف نرم و در جدایی و گسستن سخت بوده و بر سه نوع است: عصب، رباط، وتر (مفرح القلوب ص۷۲).

۳. مبداء اتساع، محل اتساع می‌باشد و گشودن معده از آنجا ناشی می‌شود (مفرح القلوب).

٤. به علّت نزدیکی به قلب این محل را فواد می‌نامند.

٥. عضلات صلب که به فارسی به آن عضلات پشت گویند شامل بعضی عضلی است که خم و دولا می‌گرداند پشت را به سوی خلف و بعضی به جانب قدام (خلاصة الحکمة جلد اوّل).

٦. پرده‌ی ثرب، پرده‌ی نازک امّا سفت و لزج محصور کننده‌ی حرارت می‌باشد که جلوی معده قرار داد (چادرپیه).

۷. پرده‌ی صفاق یا اریطارون پرده‌ی نازک چرب و لزجی است که در داخل شکم کشیده شده است.

۸. مراق، غشایی است که به عضلات شکمی متصل می‌باشد. پوست شکم با غشاء و عضله زیر آن.

۹. در کتاب مفرح القلوب حکیم ارزانی می‌فرماید: طبیعت بر قول بقراط



[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

قوتی است که مدّبر بدن است به غیر اراده و به غیر شعور و او مبداء هر حرکت و سکون است و به قول افلاطون قوّتی است آلیه که بر مصالح بدن موکّل است و علامه گفته است اسم طبیعت در عرف طب بر چهار معانی است: یکی بر مزاج که خاص است مر بدن را، دوّم برهئیت ترکیبه، سوّم بر قوت مدبره‌ی بدن، چهارم بر حرکت نفس. قرشی گوید که طبیعت قوّتی است که از شان او است حفظ کمالات آنچه او در وی است ...

**منابع**


۱. چشتی، محمد اعظم خان: اکسیر اعظم. ج.۲. نسخه‌ی خطی. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص:۳٤۸، ۱۳۸۳.
۲. ارزانی، حکیم محمد اکبر: طب اکبری. ج.۱. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۵۹۲-۵۸۲، ۱۳۸۷.
۳. القیروانی، ابن جزار: فی المعده و امراضها و مداواتها. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۸۷، ۱۳۸۸.
۴. عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصة الحکمة. تحقیق، تصحیح و ویرایش: ناظم، اسماعیل. ج.۱. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۵.
۵. گایتون، هال: فیزیولوژی پزشکی. مقدمه و نظارت: حائری روحانی، سید علی. ترجمه: سپهری، حوری؛ راستگار فرج زاده، علی؛ قاسمی، کامران. ج.۲. چاپ دوّم، انتشارات اندیشه‌ی رفیع، تهران، صص: ۹۷۸- ۹۷۶، ۱۰۲۶، ۱۳۸۹.
۶. ارزانی، محمد اکبر: مفرح القلوب، شرح قانونچه در طب. نسخه‌ی خطی، مطبع اسلامیّة، لاهور، ۱۹۱۵م.
۷. الاهوازی، علی ابن عباس: کامل الصناعة الطبیة. ج.۱، موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۷۹- ۷۸، ۳۱۳-۳۱۱، ۱۳۸۷.
۸. سینا، ابوعلی حسین: قانون در طب. ترجمه: شرفکندی، عبدالرحمن.کتاب سوّم، بخش دوّم. انتشارات سروش، تهران، صص:۱۰- ٦، ۱۷، ۱۳۷۰.
۹. الچغمینی الخوازرمی، محمد بن محمود: قانونچه فی الطب. تصحیح و ترجمه: ناظم، اسماعیل. نشر آبژ، تهران، صص:۱۰- ۹، ۱۲، ۱۸-۱۷، ۱۳۸۹.
۱۰. ناصری، محسن؛ رضایی زاده، حسین؛ چوپانی، رسول؛ انوشیروانی، مجید: مروری برکلیات طب سنّتی ایران. ویرایش دوّم. موسسه‌ی نشر شهر، تهران، صص:۲٤، ٤۳-۳۸، ٤٦، ۵۲، ۱۳۸۸.
۱۱. هروی، محمد بن یوسف: بحرالجواهر. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ٦۸، ۱۹۱، ۳۸٤، ۱۳۸۷.
۱۲. الاهوازی، علی ابن عباس: کامل الصناعة الطبیة. ج.۲، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۹۲، ۱۳۸۷.
۱۳. عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصة الحکمة. تصحیح، تحقیق و ویرایش: ناظم، اسماعیل. ج.۳، موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، انتشارات اسماعیلیان، قم، ص:٤۵۱، ۱۳۸۵.
۱۴. ناظم، اسماعیل: طبیعت در پزشکی ایرانی. انتشارات اندیشه آور، نشرآبژ، تهران، ص:۵۱-۵۰، ۱۳۸۹.
۱۵. ناظم، اسماعیل: آموزه های شفایی. دانشکده‌ی طب سنّتی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۹۰.
۱۶. زهراوی، ابوالقاسم خلف بن عباس: التصریف لمن عجز عن التالیف. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۱۱٦، ۱۳۸۸.
17. Maciocia G. *Diagnosis in Chinese medicine: A comprehensive guide.* New York: Elsevier; 2004.




[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]

[ Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-12 ]